

بعضاً مسائل و مشکلاتی بروز می‌کند، این مسائل به دلیل کثرت رفت‌وآمدها، درهم‌آمیختگی منافع اتباع دو کشور و بعضاً تأثیر عوامل ثالث بروز می‌کنند. مهم عزم و اراده مسئولین عالی دو کشور برای عبور از این موانع و فراهم کردن زمینه‌های تداوم روابط عادی و گسترش مناسبات دوستانه و مبتنی بر منافع متقابل است. طبعاً در این سفر هم این مهم مدنظر خواهد بود و تلاش خواهد شد با بررسی آخرین وضعیت همکاری‌های دو کشور در حوزه‌های مختلف، به پیشبرد آنها کمک شود.»

یکی از پروژه‌های مشترک میان ایران و جمهوری آذربایجان ساخت و ساز در پروژه کریدور شمال-جنوب است که منطقه اوراسیا و روسیه را به آب‌های جنوبی ایران متصل می‌کند. سال هاست که قرار است با اتصال خطوط ریلی ایران به جمهوری آذربایجان، اتصال ریلی ایران به منطقه اوراسیا از طریق آذربایجان عملی شود و یکی از مهم‌ترین قطعات پازل کریدور شمال – جنوب عملی شود. با این حال این پروژه هنوز نیمه‌کاره مانده و آینده آن نامعلوم است. برخی مقام‌ها توضیح داده‌اند که مشکل تملک زمین‌ها در خاک ایران، عامل اصلی اخلال در مسیر ساخت راه‌آهن است. سفیر ایران در جمهوری آذربایجان در این خصوص توضیح داد: «در حال حاضر چهار گذرگاه مرزی آستارا، بیله سوار، جلفا پلدشت بین دو کشور وجود دارد و از آن برای تردد کامیون به منظور صادرات کالا به کشور مقابل یا به کشور ثالث مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. امیدواریم در ماه‌های آینده با بهره‌برداری از گذرگاه جدید کلاله-آغئند، ظرفیت‌های جدیدی برای همکاری‌های اقتصادی دو کشور به‌ویژه در زمینه حمل و نقل ایجاد شود. همچنین برای اتصال ریلی بین دو کشور نیز توافقاتی صورت گرفته و در منطقه مرزی آستارا از ظرفیت ریلی نیز بهره‌برداری می‌شود که امیدواریم با تکمیل پایانه ریلی آستارا، ظرفیت حمل ریلی کالا افزایش یابد. علاوه برهمکاری‌های حمل و نقلی دوجانبه؛ همکاری‌های چندجانبه از جمله با روسیه نیز در حوزه حمل و نقل در دستور کار قرار دارد.»

آمریکا در خاک ارمنستان ایجاد شود. در مورد مزایای این طرح اختلاف‌نظرهای جدی در ایران وجود دارد. از یک سو برخی کارشناسان با اشاره به اینکه مسئله تغییر مرزها و اعمال حاکمیت جمهوری آذربایجان بر مسیر ارتباطی ایران و ارمنستان با این طرح منتفی شده‌است، اجرای چنین طرحی را به نفع ایران ارزیابی می‌کنند. با این حال عده‌ای از کارشناسان هم معتقدند که حضور آمریکا در مرزهای شمال غربی ایران زمینه‌ساز افزایش نفوذ غرب در قفقاز جنوبی و حضور نظامیان و نیروهای امنیتی آمریکا و ناتو در جوار ایران است که می‌تواند برای ایران خطرناک باشد. سفیر جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان در آستانه سفر وزیر امور خارجه در خصوص این پروژه توضیح داد: «در ماه‌های اخیر مباحث زیادی در خصوص طرح‌های ترانزیت، مسیرهای مواصلاتی و شبکه‌های حمل و نقلی مطرح می‌شود. بدیهی است چنانچه این طرح‌ها با رعایت تمامیت ارضی، احترام به حاکمیت ملی و حقوق و منافع متقابل انجام شود منجر به بهره‌گیری متقابل همه طرف‌ها خواهد شد. انتظار می‌رود راجع به طرح‌های ترانزیتی منطقه‌ای نیز در این سفر و دیدارها گفت‌وگو صورت گیرد؛ از جمله نقشی که ایران در ۳۴ سال گذشته برای دسترسی نخجوان به دیگر مناطق جمهوری آذربایجان با استفاده از قلمرو ایران و تسهیلاتی که ارائه‌شده و برای افزایش آن سرمایه‌گذاری و اقدامات بزرگی در جریان است. در این راستا قابل ذکر است که ساخت پل جدید بر روی رودخانه ارس در منطقه کلاله در مراحل پایانی است و هماهنگی برای بهره‌برداری از آن نیز در دستور کار مذاکرات خواهد بود.»

سفر عراقچی به جمهوری آذربایجان در سایه این اختلاف‌نظرها و بی‌اعتمادی‌ها انجام می‌شود. مجتبی دمیرچی‌لو، سفیر جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان در گفت‌وگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی برخی اختلاف‌ها میان ایران و همسایگان را طبیعی می‌داند و می‌گوید: «در روابط کشورهای دوست و همسایه

تهران، باعث قطع موقت روابط دو همسایه و ادعای دولت جمهوری آذربایجان مبنی بر حمایت ایران از تروریسم شد. این اختلاف‌ها و اتهام‌زنی‌ها در طول جنگ ۱۲ روزه تحمیلی اسرائیل و آمریکا علیه ایران شدت گرفت. جمهوری آذربایجان که به دلیل روابط نزدیک امنیتی و نظامی با اسرائیل همواره متهم به ارائه ظرفیت به اسرائیل علیه ایران بوده‌است، در طول جنگ ۱۲ روزه و پس از آن در رسانه‌ها و از سوی شخصیت‌های سیاسی ایرانی تلویحاً و تصریحاً متهم به قرار دادن آسمان و سرزمین خود به اسرائیل برای تهاجم به ایران شد. مقام‌های جمهوری آذربایجان هرگونه استفاده از سرزمین و آسمان خود علیه ایران را تکذیب کرده‌اند اما این تکذیب‌ها باعث فروکش کردن جو بی‌اعتمادی علیه جمهوری آذربایجان در ایران نشده‌است.

اختلاف‌نظر مهم دیگر میان ایران و جمهوری آذربایجان، موضوع کریدور موسوم به زنگرور برای اتصال زمینی خاک آذربایجان به جمهوری خودمختار جداافتاده نخجوان است. جمهوری نخجوان منطقه‌ای جداافتاده از خاک آذربایجان است که تا به امروز به دلیل جنگ میان آذربایجان و ارمنستان تنها مسیر دسترسی باکو به این منطقه، از طریق خاک ایران بود. با این حال جمهوری آذربایجان پس از توقیف در جنگ ۲۰۲۰ فریب‌اغ، تلاش‌های خود را برای ایجاد دالانی در خاک ارمنستان برای ارتباط مستقیم زمینی با نخجوان افزایش داد. ایران همواره اعلام کرده‌است که با هرگونه تغییر و تحول در مرزهای ملی و تمامیت سرزمینی در مرزهای خود مخالف است و اعمال حاکمیت آذربایجان بر نوار مرزی ایران و ارمنستان را به منزله تغییر مرزهای ایران تلقی کرده و با آن مخالفت کرده‌است. در مردادماه سال جاری با سفر رئیس‌جمهور آذربایجان و نخست‌وزیر ارمنستان به واشنگتن، طرح جدیدی برای اجرای کریدور زنگرور از میانجی‌گری آمریکا ارائه شد که براساس آن مقرر شد این پروژه با عنوان «جاده صلح و شکوفایی ترامپ» تحت مدیریت ایالات متحده

گرایش‌های تجزیه‌طلبانه داشتند. ایران همواره تلاش کرده که رفتار مسالمت‌جویانه داشته باشد. اینکه ما بخواهیم ایران را مقصر بدانیم چندان عادلانه و منطقی نیست، چون رفتار ایران همیشه این بود که به آذربایجان به چشم برادر کوچکتر نگاه کرده که هم شیعه است هم مردمش آذری هستند و باید از آنها حمایت کند. از نظر من آنها باید مجموعه‌ای از اقدامات را انجام بدهند. از جمله این اقدامات اگر بخواهیم بی‌طرف حرف بزنیم باید هر دو کشور به حساسیت‌های امنیتی و مرزی یکدیگر احترام بگذارند و در هر دو کشور باید تلاش شود که نیروهایی که ضد کشور مقابل فعالیت می‌کنند مستقر نشوند؛ از جمله در آذربایجان نباید نیروهای اسرائیلی و نیروهای ناتو فرصت پیدا کنند ضد ایران کاری کنند؛ اسرائیل نباید اجازه پیدا کند که از خاک آذربایجان تا این اندازه برای رویکرد تنش‌زایی علیه ایران استفاده کند؛ ادبیات تهدید و تنش به‌خصوص از سوی رسانه‌ها باید کاهش پیدا کند. از طرف دیگر باید توجه داشته باشیم که اتفاق خوبی که می‌تواند رخ دهد این است که دو طرف کمک کنند مرزهای زمینی باز شود و تعاملات اقتصادی و تجاری‌شان را از سر بگیرند و روابط فقط به دیپلماسی رسمی و دولتی محدود نماند. باید دیپلماسی عمومی و پارلمانی فعال شود. در حوزه اقتصادی ایجاد کریدور ارس به همراه جاده، خط لوله انتقال نفت و گاز و راه‌آهن باید فعال شود؛ مسیر اتصال نخجوان به جمهوری آذربایجان از طریق ایران باید مدیریت شود؛ ایران باید درخواست کند که در روند صلح بین آذربایجان و ارمنستان نقش آفرینی کند و به گونه‌ای دخالت کند که احساس نشود این روند صلح علیه منافع ایران است. افزایش همکاری‌های اقتصادی و در کنار آن تقویت روابط فرهنگی و دست برداشتن باکو از این رفتار که مرتب تلاش می‌کند تاریخ‌سازی جعلی کند یا مرجعیت‌سازی هویتی و تمدنی جعلی برای آذری‌های ایجاد کند، می‌تواند به عادی شدن روابط کمک کند.

«همانگونه که اشاره کردید یکی از موارد اختلافی موجود میان تهران و باکو، موضوع کریدور زنگرور و احتمال قطع مسیر زمینی ایران و ارمنستان است.

با توجه به استقبال مقام‌های ایروان از ابتکار ترامپ با عنوان «جاده بین‌المللی صلح و شکوفایی ترامپ»، آیا می‌توان گفت که طرح پیشنهادی ترامپ منافع ایران را تأمین و نگرانی‌های ایران را بر طرف می‌کند؟

بحثی که در مورد جاده ترامپ مطرح شده این است که کنسرسیومی با حضور ارمنستان و آمریکا تأسیس شود. این کنسرسیوم قرار است یک سری شرکت‌های اقتصادی را مشخص کند. این شرکت‌ها قرار است در این مسیر جاده‌سازی و ریل‌گذاری کنند و زیرساخت‌های ارتباطاتی و ICT، خطوط لوله انتقال انرژی ایجاد کنند. اگر هر یک از این طرف‌ها با مشارکت کشور ثالثی موافق نباشند، آن کشور نمی‌تواند وارد این پروژه شود. در عین حال صحبت‌های نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان هم مهم است که می‌گوید عرض این مسیر ۵ کیلومتر خواهد بود، یعنی اینکه این پروژه یک جاده ساده نیست، بلکه دالانی به عرض ۵ کیلومتر است. به همین دلیل نمی‌توان گفت که کسی

می‌تواند از روی این دالان یا زیر آن عبور کند و نمی‌شود گفت که مرزهای ایران و ارمنستان آسیب نمی‌بیند. بدون تردید این طرح برای ضربه زدن به ایران ایجاد شده‌است. حداقل ضربه‌اش، ضربه اقتصادی است که می‌تواند عبور و مرور، کامیون، بار و انرژی را از ایران به سمت ارمنستان و شمال قفقاز کاهش دهد. اگر این اتفاق رخ دهد و دسترسی ایران قطع شود، نتیجه آن می‌شود به خطر انداختن امنیت ایران و محاصره ایران. به این ترتیب حمله به ایران و تجزیه ایران راحت‌تر می‌شود. ایده درازمدت دشمنان ایران همین است و با اتفاقاتی هم که در جنگ ۱۲ روزه افتاد این ایده علنی شد، اینکه برخی دوستان و کارشناسان ادعا می‌کنند طرح خطری برای ایران ندارد من خیلی متوجه نمی‌شوم، به هر حال از هر جایی عبور کند چه نزدیک مرز ایران چه کمی بالاتر از مرز ایران چون کریدور است، مشکل ساز می‌شود. چون در این پروژه آمریکایی‌هایی خواهند با ارمنستان مشارکت کنند. تجربه رفتار آمریکا را در همسایگی ایران داریم که به اسم فعالیت اقتصادی چه اقداماتی انجام می‌دهد و چقدر کشور بدعهدی است. وقتی آمریکا می‌گوید من کاری را انجام نمی‌دهم نمی‌توانید مطمئن باشید که آن کار را انجام ندهد و بارها بدعهدی کرده‌است. رفتار آمریکا را در عراق، لبنان، غزه و نقاط دیگر به عینه ملاحظه می‌کنیم. آمریکایی مدت‌هاست که در هیچ جای دنیا سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، بلکه برعکس در حال متوقف کردن سرمایه‌گذاری‌ها هستند و تلاش می‌کنند سرمایه‌ها را به داخل آمریکا برگردانند. وقتی مشاهده می‌کنیم که در این شرایط آمریکا اعلام می‌کند قصد دارد در منطقه قفقاز جنوبی که شاید خیلی اهمیت از نظر اقتصادی نداشته‌باشد سرمایه‌گذاری کند و سفارتش را گسترش می‌دهد و یک دیناستر بزرگ هوش مصنوعی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات منطقه تأسیس کند، نشان می‌دهد اهداف واشنگتن سیاسی-امنیتی است و اهداف اقتصادی در مرحله دوم اهمیت قرار دارد.

به هر حال به اعتقاد من این طرح یک طرح خطرناک ضدایرانی است. ایران برای اینکه این طرح را خنثی کند باید در این یکی، دو سالی که فرصت دارد تلاش کند و این مسیرهای کریدوری که مد نظرش است اعم از کریدور ارس از داخل ایران یا جاده ترانزیتی که از داخل ایران تا ایروان احداث می‌شود، برای تأسیس یا بهسازی آنها سریع‌تر اقدام کند و کریدور ارس هم همراه با راه‌آهن باید احداث شود که وابستگی متقابل در آذربایجان ایجاد کند. اگر دست روی دست بگذاریم و مسیر ترامپ روی زمین ایجاد شود بعداً دیگر ایران برای مقابله با این کریدور دستش تا حد زیادی بسته خواهد بود.

اسرائیل نباید اجازه

پیدا کند که از خاک

آذربایجان تا این

اندازه برای رویکرد

تنش‌زایی علیه

ایران استفاده کند؛

ادبیات تهدید و تنش

به‌خصوص از سوی

رسانه‌ها باید کاهش

پیدا کند. از طرف

دیگر باید توجه داشته

باشیم که اتفاق خوبی

که می‌تواند رخ دهد

این است که دو طرف

کمک کنند مرزهای

زمینی باز شود و

تعاملات اقتصادی و

تجاری‌شان را از سر

بگیرند و روابط فقط

به دیپلماسی رسمی و

دولتی محدود نماند

«علاوه بر ایران در سال‌های اخیر شاهد افول بی‌سابقه روابط باکو با روسیه نیز بوده‌ایم؛ تا حدی که در طول سال جاری دولت جمهوری آذربایجان اعلامی علیه منافع روسیه (از جمله حمله به داتر رسانه‌های دولتی روسیه در باکو) انجام داده‌است. آیا این رویکرد آذربایجان به معنای فاصله گرفتن تدریجی از محور تهران-مسکو و نزدیک‌تر شدن به غرب است؟

چرا جمهوری آذربایجان چنین مسیری را برگزیده‌است؟

در پاسخ به سوال‌های قبلی توضیح دادم که جمهوری آذربایجان تصمیم گرفته‌است که در شرایط گذار نظام بین الملل در کنار آمریکا و اسرائیل و غرب باشد. قرار گرفتن باکو در کنار این طرف‌ها طبعیتاً باعث می‌شود جمهوری آذربایجان اقداماتی را انجام دهد که مدنظر این دولت‌هاست. برای روسیه پذیرفتن این رویکرد خیلی سخت بود. ولادیمیر پوتین و سیاستگذاران روسیه تصور می‌کردند که چون خانواده علی‌ا سال‌ها هم‌پیوندهای اقتصادی و نظامی و اطلاعاتی با روسیه داشتند، به این سادگی راه خود را از روسیه جدا نخواهند کرد. ولی جمهوری آذربایجان این کار را کرد، چراکه پیوندهای خودش را با غرب تعریف کرده‌است. روسیه در طول جنگ اوکراین برای دو زن درجیم‌های صادرات انرژی خیلی به آذربایجان متکی شده‌بود و پراش سخت بود با اقدام‌های باکو مقابله کند اما به تدریج اقدام‌های ضدامنیتی آذربایجان حتی در خاک روسیه هم گسترش پیدا کرد و بر اساس طرح و برنامه انگلیس ما شاهد اقدام‌هایی مانند ردودن اتباع روسیه بودیم. وقتی که در داخل روسیه اقداماتی برای مقابله با مافیای جمهوری آذربایجان انجام شد، باکو هم واکنش نشان داد و به دفاتر رسانه‌های دولتی روسیه در خاک آذربایجان حمله شد. کار به تدریج بالا گرفت و کار به حمله به پایانه‌های نفتی کشید. به تدریج کار در حال رسیدن به نقطه بدون بازگشت است و حتی دیدارهای دیپلماتیک کوتاه میان مقام‌های مسکو و باکو هم دوای درد نیست. چشم‌انداز روشنی از روابط روسیه و آذربایجان وجود ندارد. روسیه اگر بتواند معضل اوکراین را کاملاً حل و فصل کند، قطعاً بار دیگر تمرکز خود را بر قفقاز قرار خواهد داد و تلاش خواهد کرد که نیروهای نزدیک به خود را در این منطقه تقویت کند. قطعاً این پوتین تماشا کند که آمریکا در خلوت روسیه در قفقاز صلح برقرار کند و نفوذش را افزایش دهد برای ثبات و تمامیت ارضی و امنیت روسیه بسیار خطرناک خواهد بود. اقدامات و صحبت‌هایی هم که از اتاق فکرهای آمریکا می‌شنویم در این مورد که ارمنستان و تاجیکستان به سازمان کشورهای ترک پیوندند و صحبت‌هایی که در مورد تبدیل سازمان کشورهای ترک به ناتوی ترکی می‌شود، نشان می‌دهد که این رفتارها و این سازمان‌ها کارکرد اقتصادی صرف ندارند و قرار است کارکرد امنیتی-نظامی پیدا کنند. قاعدتاً روسیه اگر بخواهد تماشاچی بماند هم روسیه، هم ایران و هم چین شرایط بسیار دشواری در منطقه پیدا خواهند کرد.

دیپلمات‌ها



دخالتی در لبنان نداریم

سخنگوی وزارت خارجه در نشست خبری روز گذشته خود در پاسخ به سوالی در ارتباط با دعوت عراقچی از وزیر خارجه لبنان برای سفر به ایران و اینکه طبق برخی از اخبار منتشر شده وزیر خارجه لبنان این دعوت را نپذیرفته و از طرف دیگر در مصاحبه‌ای اعلام کرده که حزب الله لبنان تابع ایران است و درواقع ایران در امور داخلی لبنان دخالت می‌کند؟ گفت: بحث مداخله ایران در امور لبنان کاملاً یک بحث انحرافی است. ما هیچ مداخله‌ای در امور داخلی لبنان نداریم و حزب‌الله یک نهاد و یک بخش ریشه‌دار و مؤثر در لبنان و جامعه بین‌المللی است و در مورد رفتارها و سیاست‌هایش، خودش تصمیم می‌گیرد. سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در پاسخ به سوالی در مورد روابط ایران و آژانس و نقش آفرینی برخی از کشورها در این ارتباط تأکید کرد که تماس‌های جمهوری اسلامی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از طریق مجاری متعارف و به‌طور عادی ادامه دارد. بقاییی در توضیح روابط ایران با آژانس گفت: ما عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستیم، عضو معاهده منع اشاعه هستیم؛ بنابراین تماس‌های ما به صورت مستقیم عمدتاً از طریق نمایندگی‌مان در وین با مدیران آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وجود دارد و این امر مستمر است.سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در پاسخ به سوالی اعلام کرد که کانال ارتباطی رسمی جمهوری اسلامی با ایالات متحده از طریق دفاتر حفاظت منافع دو کشور برقرار است. بقاییی توضیح داد: کانال ارتباطی رسمی ما با آمریکا همان دفتر حفاظت منافع آمریکا در تهران است که توسط سفارت سوئیس اداره می‌شود. در مقابل، کانال ارتباطی رسمی ما در آمریکا نیز دفتر حفاظت جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن است. سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه در یک سال گذشته و به‌ویژه بعد از جنگ، مواضع وزیر امور خارجه در هر دو طیف سیاسی با انتقادهایی مواجه شده است؛ از یک سو، وزیر امور خارجه به انفعال و وزارت امور خارجه به عدم ابتکار در خروج از بحران سیاست خارجی کشور متهم شده‌اند، از سوی دیگر، هر بار که وزیر امور خارجه شروط ایران برای از سرگیری مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا را در گفت‌وگو با رسانه‌های خارجی مطرح می‌کنند، انتقادهایی مبنی بر بروز نشانه‌هایی از ضعف یا تسلیم شدن از سوی وزارت امور خارجه مطرح می‌شود. لطفاً توضیح دهید که دستگاه سیاست خارجی کشور بر اساس چه معیارها و دستورالعمل‌هایی در مورد از سرگیری مذاکرات با آمریکا و تلاش برای رفع تحریم‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند؟ گفت: برای وزارت خارجه، ملاک و مبنا منافع ملی است. تعریف منافع ملی در مراجع ذی‌ربط تصمیم‌گیر صورت می‌گیرد. ما با توجه به جمیع جهات، با در نظر داشتن دریافت‌ها و برداشت‌های خودمان به عنوان دستگاه دیپلماسی از وضعیت و وجود دارد و همچنین مشورت با جهات ذی‌ربط اثرگذار در تصمیم‌سازی درباره موضوعات سیاست خارجی، مواضع‌مان را تدوین می‌کنیم. اما نهایتاً تصمیم‌گیری در مورد امر مهمی مثل سیاست خارجی، از جمله موضوع مذاکرات، در نهادهای بالادستی نظام اتخاذ می‌شود. وی تأکید کرد: شورای عالی امنیت ملی همواره یکی از مراجع اصلی تصمیم‌گیری درباره موضوع مذاکرات بوده است. بقاییی افزود: بنابراین، اینکه انتقادهایی از سوی جهات مختلف وجود دارد، ما با سعه‌صدر آن‌ها را بررسی می‌کنیم و هر جا که قابل استفاده باشد از آن بهره می‌بریم. معتقدیم فضای بازی که اکنون وجود دارد واقعاً یکی از برکات جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی است و همین فضا به تصمیم‌سازی بهتر در اموری که مربوط به تک‌تک ایرانیان است کمک می‌کند، اما همان‌طور که عرض کردم، نهایتاً تصمیم‌گیری در مورد موضوعات مهم سیاست خارجی، بر اساس دستورالعمل‌های صادره از سوی نهادهای بالادستی و در این مورد خاص یعنی موضوع مذاکرات از سوی شورای عالی امنیت ملی انجام می‌شود.